ادامه از صفحه اول

ضرورت تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

دو عامل مشکلات ساختاری در نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور و عملکرد نامطلوب سازمان در اجرای وظایف خود طبق قانون را می‌توان به‌عنوان عوامل اصلی این نارضایتی برشمرد هرچند تعیین مرزی برای این دو عامل و تعیین سهم هریک از آنها در ایجاد وضعیت موجود دشوار است، اما در مجموع شرایطی به‌وجود آمده که برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی به‌دلایل مختلف به ابزارهای ناکارآمدی در مدیریت بخش عمومی کشور تبدیل شده است. آنچه مسلم است نهاد برنامه‌ریزی ضرورت یک جامعه هوشمند و پیشرو است. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق نمی‌توانست به‌گونه‌ای مناسب چنین نقشی را ایفا کند. عملکرد سازمان در بطن خود حاوی تضادهای عمیقی بود که از نگرش برونی و عملکرد آن قابل استنتاج است. واضح است نظام اداری و اجرایی و سامانه‌های تصمیم‌گیری و مدیریت اقتصادی کشور ازجمله سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، پس از نزدیک به چهاردهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نیازمند اصلاح و به سخن دقیق‌تر دگرگونی و بازسازی است، بنابراین تصمیم‌گیری آتی مجلس و دولت یازدهم در این‌خصوص و اتخاذ راهکارهای مناسب با توجه به چندین‌دهه تجربه تصمیمات مختلف باید به دور از هرگونه سطحی‌نگری و با رویکردی نوین و بازتعریف ماموریت‌ها و وظایف سازمان موردنظر باشد، قطعا اتخاذ راهکارهای مناسب در پرتو انجام سلسله‌مطالعات کارشناسی عمیق و شناسایی مسایل اساسی در حوزه‌های ماموریت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و پاسخگویی به سوالات اساسی است که حول ساختار و جایگاه سازمان (معاونت‌های فعلی) وجود دارد. اما آنچه مهم است در حال حاضر این بررسی‌ها بیش از حد طولانی و زمانبر شده و به نظر می‌رسد مطالعات علمی برای سوالات ذیل در دولت یا نهادهای دیگر در حال انجام نیست؛ پرسش‌های اساسی حول ساختار و جایگاه سازمان با این مضامین که در نظام تدبیر و مدیریت کلان اقتصاد جایگاه سازمان مرکزی برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی چیست؟ و انتظارات مدیریت کلان کشور از آن چیست؟ آسیب‌های حقوقی و اداری وضعیت قبلی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی چه بوده است و چه راهکارهایی برای جلوگیری از آن وجود دارد؟ وظایف اصلی سازمان در امور برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی چه باید باشد؟ تجربه تفکیک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی از سازمان امور استخدامی بهتر بود یا ادغام آن دو؟ و... بر همین اساس تصویب احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دوپیام عمده به جامعه و نهادهای اجرایی و برنامه‌ریزی به همراه دارد که پیام این مصوبه به مردم این است که دولت جدید و مجلس شورای اسلامی به برنامه‌ریزی مدون و مدیریت یکپارچه در کشور باور دارند و پیام این اقدام برای نهادهای اجرایی و برنامه‌ریزی نیز این است که این نهادها برای ایفای نقش موثر نیازمند نوسازی هستند.

در تبیین نکات مربوط به ضرورت تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی باید به این مورد اشاره کرد که با توجه به اصل یکصدوبیست‌وششم قانون‌اساسی، مجلس‌شورای اسلامی نمی‌تواند صلاحیت اداره امور برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و امور اداری و استخدامی را از رییس‌جمهور سلب کند ولی این امر مانع آن نیست که نسبت به قاعده‌گذاری درخصوص این امور اقدام کند. بنابراین هرچند مجلس می‌تواند نسبت به تصویب قانونی برای تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (یا هرعنوان دیگر) اقدام کند، ولی باید اداره آن توسط رییس‌جمهور یا شخص منصوب وی انجام گیرد.

مروری بر مشکلات اساسی در حوزه بودجه‌ریزی، برنامه‌ریزی و نظام اداری کشور نشان می‌دهد بسیاری از این مشکلات ریشه در ساختار اداری و مالی کشور دارد و این ساختارها به‌تدریج بستر نهادی‌ای را به‌وجود آورده‌اند که منجر به ناکارآمدی سازمان‌های ستادی ازجمله سازمان مزبور شده است. با تغییر شیوه‌ها و رویه‌های انجام کار (اصلاح نهادها) و بازتعریف ماموریت‌ها و وظایف می‌توان تعارض بین کارکردهای این سازمان و دستگاه‌های اجرایی کشور را کاهش داد، اما تغییر قوانین و مقررات زیربنایی نیازمند طراحی نظاماتی در حوزه‌های بودجه‌ریزی، برنامه‌ریزی و امور استخدامی است و پس از طراحی چنین نظاماتی تغییرات سازمانی متناسب با آن، دستیابی به اهداف را امکان‌پذیر خواهد کرد.

به‌نظر می‌رسد تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با رویکردی نوین علاوه بر تصویب آن توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نیازمند پایبندی دولت به قانون و پذیرش اولویت‌های مجلس شورای اسلامی است. بر همین اساس پیشنهاد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آن است که با تصویب ماده واحده‌ای زمان مناسبی در اختیار دولت جدید قرار داده شود تا پس از انجام تغییرات مورد نیاز در قوانین مبنایی برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور را نوسازی و نسبت به تشکیل سازمان مناسب اقدام کند.

درحال حاضر مرکز پژوهش‌ها معتقد است با توجه به ضرورت وجود یک سازمان مرکزی برای مدیریت نظامات برنامه و بودجه کشور و آغاز فرآیند تهیه و تدوین برنامه ششم توسعه، کلیت متن مورد تصویب در شرایط کنونی می‌تواند راه‌حلی حد وسط باشد لکن انجام پاره‌ای اصلاحات در آن ضروری به‌نظر می‌رسد متاسفانه تا این لحظه اراده‌ای مبنی بر رفع آن ایرادات و به جریان افتادن این طرح مشاهده نمی‌شود. در عین حال این نکته قابل توجه است که بیش از این تعلل درخصوص عدم انجام تغییرات اساسی و مورد نیاز در قوانین مبنایی مانند قانون بودجه و بودجه‌ریزی، قانون جامع برنامه‌ریزی، قانون جامع نظارت و... برای تشکیل سازمان با رویکردی نوین جهت استقرار این نظامات بی‌فایده خواهد بود و اهداف مورد انتظار طراحان و تصمیم‌گیران حاصل نمی‌شود.

آسیب‌شناسی یک پدیده

انتشار متفاوت سخنان رییس‌جمهور آرژانتین در رسانه‌های ایران

عکس: AP

هرساله سیاستمداران زیادی در نشست مجمع‌عمومی «سازمان‌ملل» سخنرانی می‌کنند. البته بازتاب سخنرانی‌ها یکسان نیست و با اهمیت سخنران و محتوای سخنان او، ارتباط مستقیمی دارد. امسال، برخی رسانه‌های اصولگرا، سخنرانی «کریستینا فرناندز کرشنر» رییس‌جمهور آرژانتین را بازتاب گسترده‌ای دادند و در تیترهای اصلی خود برجسته‌سازی کردند. جالب آنکه چنین بازخوردی در رسانه‌های جهان دیده نمی‌شد. اصولگرایان معتقد بودند که به دلیل مواضع تند رییس‌جمهور آرژانتین علیه آمریکا و اسراییل، سخنان وی سانسور و بایکوت شده است. استقبال اصولگرایان از مواضع «کریستینا فرناندز کرشنر» به جایی رسید که گروهی از نمایندگان مجلس حتی از اعزام هیات به این کشور آمریکای‌لاتین برای تقدیر از مواضع رییس‌جمهور این کشور خبر دادند. اما به‌یکباره همه‌چیز تغییر کرد. در این میان «تابناک»، خبر داد: «بعد از سخنرانی «کریستینا فرناندز کرشنر» در مجمع‌عمومی سازمان‌ملل که در آن ضمن انتقاداتی از رفتارهای دوگانه غرب در مسایل مختلف، مسایلی درباره دادگاه تشکیل‌شده در این کشور برای رسیدگی به پرونده آمیا و نقش تفاهم این کشور با ایران در این رابطه، اظهارات وی در مورد مسایل سوریه، حزب‌الله و فلسطین در رسانه‌های ایرانی مطرح شد که مراجعه به متن رسمی منتشرشده در رسانه‌های دولتی آرژانتینی و فایل صوتی و تصویری سخنرانی خانم رییس‌جمهور در وب‌سایت سازمان‌ملل نشان می‌دهد که تقریبا همه ادعاهای مطرح‌شده در ایران اگر کذب نباشد، حداقل بسیار غیردقیق و تحریف‌شده است.» همچنین یکی از نمایندگان که حامی تقدیر از مواضع رییس‌جمهور آرژانتین بوده، دوشنبه گذشته در گفت‌وگو با این سایت اعلام کرد: «حتی برنامه‌ای داشتیم که امروز به سفارت آرژانتین در تهران گل به‌همراه برخی از عناصر خود بفرستیم، که این قضیه را امروز فعلا متوقف کردیم و قرار شده است صحبت‌های ایشان پیاده شده و ترجمه شود تا مورد بررسی قرار گیرد. چیزی که «رسانه ملی» ما و خبرگزاری «فارس» گفته بود را اعلام کردیم و مطالبی که در این زمینه نیز گفته شد بر اساس اعتمادی که به این دو منبع خبری بود، انجام گرفت، اما امروز ما نیز به این رسیده‌ایم که اشتباهی صورت گرفته و چیزی که در اینجا تلویزیون ما و این خبرگزاری اعلام کرده غلو بوده است، من متاسفم از دستگاه رسانه‌ای کشور که خبرهای افراطی می‌دهند. به‌هرحال چیزی که وجود دارد این است که وی به آمریکایی‌ها تعرضی نکرده است و چنین سخنانی ابراز نکرده بود، اما صداوسیمای ما این را اینگونه نگفته است و کل مطالب را تحریف کرده است و در ترجمه و رساندن مطالب به مردم غلو بسیاری شده است.»

«شرق» با هدف آسیب‌شناسی تحریف مواضع مقامات خارجی یا برجسته‌سازی گزینشی و اغراق‌آمیز در برخی رسانه‌های ایرانی، بخش‌هایی از سخنان رییس‌جمهور آرژانتین که به گفته رسانه‌ها تحریف شده است را از روی ویدیویی موجود پیاده و ترجمه کرده است و همچنین خبر «واحدمرکزی‌خبر» پایگاه مکتوب صداوسیما را در معرض قضاوت مخاطبان قرار می‌دهد.

ترجمه سخنان رییس‌جمهور آرژانتین

کرشنر در بخشی از سخنرانی خود که بیشتر مورد توجه رسانه‌ها در داخل ایران قرار گرفته و گویی برداشت نادرست و اغراق‌آمیز از آن شده است، پشت تریبون مجمع‌عمومی سازمان‌ملل می‌گوید: من همچنین در مورد کشورم در سه نمونه قضایی در زمینه تروریسم و امنیت سخن می‌گویم. و به‌علاوه اینکه کشور من تنها همراه کشور آمریکا در قاره آمریکا بود که قربانی دو حمله تروریستی شد. یکی از آنها در سال ۱۹۹۲، زمانی که سفارت آمریکا منفجر شد و دومی در سال ۱۹۹۴، هنگامی که محل آمیا ویران شد. امسال بیستمین سالگرد حمله به آمیا است. من در حضور مجمع و در محضر خانواده‌های قربانیان این حادثه که همیشه ما را یاری کرده‌اند به جرات می‌گویم که دولت کرشنر بیشترین تلاش را برای یافتن مقصران حمله «آمیا» داشته است. نه‌فقط به‌خاطر گشودن تمامی فایل‌های اطلاعاتی کشورم بلکه به خاطر اینکه کمیته‌ای مخصوص تحقیقات در این زمینه ایجاد کرد؛ هنگامی که در سال ۲۰۰۶ قوه‌قضاییه کشور من چند شهروند ایرانی را متهم کرد که در حمله آمیا مشارکت داشته‌اند. او (نستور کرشنر) و البته بعد از او، من جرات داشتیم درخواست برگزاری مذاکرات همکاری با ایران برای تحقیق و بررسی ارایه دهیم. این درخواست در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ تکرار شد تا در نهایت مورد توافق ایران قرار گرفت. زیرا تا قبل از آن حتی نمی‌توانستیم این اقدام را در دستور کار خود قرار دهیم. پس از موافقت آنها در یک دیدار دوجانبه تفاهمنامه همکاری قضایی بین دو کشور امضا شد. برای چه هدفی؟ برای اینکه متهمان ایرانی که در تهران زندگی می‌کنند، بتوانند در دادگاه حاضر شده و در دادگاه آرژانتین شهادت دهند. بعد از امضای این تفاهمنامه چه اتفاقی افتاد؟ خب به نظر می‌رسد تمام شیاطین داخلی و خارجی آزاد شدند. موسسه‌های یهودی که در این سال‌ها ما را همراهی می‌کردند ناگهان علیه ما جبهه گرفتند و پس از تحقق همکاری و امضای این تفاهمنامه ما را متهم به همدستی با دولت ایران کردند. همین اتفاق، بار دیگر در این کشور افتاد؛ هنگامی که صندوق سرمایه‌گذاری «کرکس» بعد از تشکیل لابی در کنگره آمریکا اعلام کرد ما و ایران در این مساله شریک هستیم. زیرا در آن زمان آنها رابطه مستقیم با جمهوری اسلامی نداشتند بلکه آن را کشوری تروریستی می‌دانستند. آنها حتی در وب‌سایت‌های خود عکس‌های من و آقای احمدی‌نژاد را در کنار هم قرار دادند و ما را شریک معرفی کردند. حالا در این هفته به ما خبر می‌رسد وزیر امور خارجه آمریکا با همتای ایرانی‌اش در هتلی سمبولیک، هتل «والدورف آستوریا» با هم ملاقات می‌کنند. ما انتقادی به آنها نداریم، برعکس معتقدیم همه باید گفت‌وگو کنند و تمام اینها به این معناست که ما طرفدار درک متقابل هستیم. اما می‌خواهیم بپرسیم کسانی که تا همین یک سال پیش نه یک قرن پیش ایران را متهم می‌کردند و تروریست خطاب می‌کردند، امروز چه می‌گویند؟ کسانی که در گذشته بسیاری از افرادی را که اکنون تشکیل‌دهنده «داعش» هستند مبارزان آزادیخواهی می‌دانستند که علیه دولت بشار اسد می‌جنگیدند، امروز چه دارند بگویند؟ فکر می‌کنم که در اینجا با مشکلی دیگر در زمینه مقابله با ناامنی و تروریسم روبه‌رو هستیم. قدرت‌های بزرگ به آسانی مفهوم دوست و دشمن یا تروریست و غیرتروریست را تغییر می‌دهند. مساله آن است که باید یکبار و برای همیشه مشخص کنیم که نمی‌توانیم برای ساماندهی و تثبیت جایگاه‌های قدرت، مطیع سیاست‌های بین‌الملل یا مواضع ژئوپلیتیکی کشورها باشیم. من از جایگاه کسی سخن می‌گویم که علیه تروریسم بین‌الملل مبارزه می‌کند. دستگاه قضایی آرژانتین در حال تحقیق روی تهدیدی از جانب «داعش» است که به علت نزدیکی به پاپ فرانسیس و همچنین باور به لزوم تشکیل دو دولت مستقل فلسطین و اسراییل، متوجه من است. همین امر من را ملزم می‌کند تا برای بار دوم از این مجمع‌عمومی درخواستی داشته باشم و آن هم چیزی نیست جز به رسمیت شناختن کامل فلسطین به عنوان یک دولت جدید و عضوی تازه از این مجمع. بدین صورت می‌توانیم به سراغ بازکردن نه تنها یکی، بلکه تعداد زیادی از گره‌های کور در سطح جهانی برویم. می‌توانیم برای حل‌وفصل برخی از مسایل خاورمیانه گام‌هایی ابتدایی برداریم؛ با به رسمیت شناختن دولت فلسطین و البته حق ادامه حیات اسراییل در داخل مرزهایش و همچنین حق فلسطینی‌ها برای آنکه از اعمال خشونت بیجا علیه آنان در امان باشند؛ خشونت‌هایی که به کشته‌شدن صدها کودک و زن انجامیده است. ما همانطور که این خشونت‌ها را محکوم می‌کنیم، آنانی را که با موشک اسراییل را هدف قرار می‌دهند نیز محکوم می‌کنیم... ما نیازمند احترام بیشتر به حقوق و قوانین بین‌الملل و برخوردی یکسان با تمامی کشورهایی هستیم که در این مجمع حضور دارند. اگر می‌خواهیم به راستی با تروریسم مقابله کنیم، بیایید برای صلح تلاش کنیم. شما نمی‌توانید با کوبیدن بر طبل جنگ، با تروریسم مقابله کنید. در پایان می‌خواهم یادآوری کنم که سال پیش تمامی اعضا از مسایل و مخاطرات امنیتی دیگری صحبت می‌کردند. امروز آنان تغییر کرده‌اند. کسانی که پارسال منشأ شر بودند، امسال به نظر چندان بد نمی‌آیند. آنانی که پارسال باید موردحمله واقع می‌شدند و از بین می‌رفتند، اکنون برای خلاصی از دست «داعش» با ما همکاری می‌کنند. در ابتدا «القاعده» بود، و من از شما می‌پرسم که «القاعده» و«طالبان» از کجا آمدند؟ سلاح‌ها و منابع خود را از کجا می‌آوردند؟ کشور من که سلاحی تولید نمی‌کند؛ چه کسی به آنان سلاح فروخته است؟ بعد از آن نوبت به کسانی رسید که مظهر «بهار عربی» بودند؛ بهاری که در نهایت معلوم شد نه‌تنها، به هیچ‌وجه بهار نبود، بلکه پاییز یا حتی زمستان بود. آنان از مبارزانی آزادی‌خواه به کسانی بدل شدند که باید کشته شده یا به زندان بیفتند. اکنون نوبت «داعش» است؛ این هیولای جدید که گلوی مردم بیگناه را بر صفحه تلویزیون می‌برد. تصاویری که پرسش‌هایی چون «چرا؟ چگونه؟ اینها از کجا آمده‌اند؟» را در اذهان تداعی می‌کند. به همین دلیل است که باید از خود بپرسیم چرا این روند هم‌چنان ادامه یافته و روزبه‌روز بر مشکلات افزوده می‌شود.

خبر «واحدمرکزی‌خبر» با تیتر «رییس‌جمهور آرژانتین با رد دخالت ایران در انفجارهای بوئنوس‌آیرس از حزب‌الله لبنان دفاع کرد»

سخنان رییس‌جمهور آرژانتین در مجمع‌عمومی سازمان‌ملل که در آن دخالت جمهوری اسلامی ایران را در انفجارهای بوئنوس‌آیرس در سال ۱۹۹۴ میلادی رد و از نظام سوریه، حزب‌الله لبنان و غزه حمایت کرد، باعث خشم برخی رسانه‌ها شد.

رییس‌جمهور آرژانتین گفت: «گردهم آمده‌ایم. یک‌سال است که شما نظام اسد را نظام تروریست می‌دانید. شما از مخالفانی که ما آنها را انقلابیون می‌دانستیم حمایت می‌کنید و امروز برای مهار انقلابیونی گردهم آمده‌ایم که روشن شده آنها تروریست هستند و بیشتر آنان در شبکه‌های تروریستی عضویت دارند و از افراط‌گرایی به افراط‌گرایی هرچه بیشتر منتقل شده‌اند.» به گزارش پایگاه اینترنتی خبرگزاری سانای فلسطین، این سخنرانی کریستینا فرناندز در سازمان‌ملل به منزله انفجار بمب بود. فرناندز در سخنرانی خود افزود: «نام حزب‌الله لبنان پیش از این در فهرست سازمان‌های تروریستی گنجانده شده بود و روشن شده حزب‌الله یک حزب بزرگ و به رسمیت شناخته‌شده در لبنان است.» رییس‌جمهور آرژانتین گفت: «شما ایران را در پی انفجاری که در سفارت اسراییل در بوئنوس آیرس در سال ۱۹۹۴ میلادی رخ داد متهم کردید و تحقیقاتی که ما انجام دادیم دخالت ایران را در این انفجار تایید نکرد.» وی تصریح کرد: «شما قطعنامه جنگ با القاعده را پس از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی صادر کردید، مجوز ورود (نظامی) به چندین کشور را دادید و مردمان آنها مانند عراق و افغانستان به این بهانه کشته شدند؛ درحالی‌که این دو کشور همچنان از تروریسم رنج می‌برند!» رییس‌جمهور آرژانتین افزود: «با بمباران غزه، عمق و شدت فاجعه‌ای که اسراییل روشن کرد، شمار زیادی از فلسطینی‌ها قربانی شدند درحالی‌که شما به موشک‌هایی که به اسراییل اصابت کرد اهمیت دادید، موشک‌هایی که تاثیری نداشت و خساراتی در آنجا به بار نیاورد.» او گفت: «امروز اینجا هستیم تا یک قطعنامه بین‌المللی درباره مجرم‌دانستن گروه «داعش» و مقابله با آن صادر شود درحالی‌که داعش مورد حمایت چند کشور شناخته‌شده است و شما بهتر از دیگران آنها را می‌شناسید و داعش هم‌پیمان برخی قدرت‌های بزرگ عضو شورای امنیت سازمان‌ملل‌متحد است!» برخی شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای از پخش مستقیم این سخنرانی خودداری و ترجمه آن را قطع کردند اما شبکه‌های اجتماعی به‌طور گسترده سخنرانی کریستینا فرناندز کرشنر را منتشر کرده‌اند.

***

آیا در عصر ارتباطات و دهکده جهانی می‌توان با دگرگونی خبر، درصدد ایجاد موج دلخواه بود؟ آیا باوجود مخاطبانی که دیر یا زود از اصل خبر مطلع می‌شوند، جای اعتمادی باقی می‌ماند؟

ادامه از صفحه اول

وضعیت بازنشستگی و بازنشستگان

صندوق‌های بازنشستگی هم به‌خاطر نداشتن استقلال کافی، مدیریت امور از دستشان در رفته است. دولت نیز نه آنکه امروز به وضعیت بازنشستگان بی‌تفاوت باشد، بلکه سیاست‌های نادرست خود در گذشته و مداخلات ناخواسته در دخل و خرج صندوق‌های بازنشستگی و تامین‌اجتماعی، آنها را در آستانه ورشکستگی قرار داده است. البته عوامل بیرونی همچون افزایش جمعیت بازنشسته و نرخ بالای تورم اقتصادی نیز به‌طور طبیعی تعادل دریافت‌ها و پرداخت‌های صندوق بازنشستگی و تامین‌اجتماعی را بر هم زده و ضعف و ناتوانی را بر آنها مستولی می‌کند. این عوامل از نگاه مدیریت بازنشستگی بیرونی است زیرا رشد جمعیت بازنشسته و نرخ تورم اقتصادی هیچ‌کدام در کنترل مدیریت بازنشستگی نیست، ولی بررسی تعادل دریافت‌ها و پرداخت‌ها باید در دستور کار همیشگی مدیران و مسوولان صندوق‌های بازنشستگی و تامین‌اجتماعی باشد. دریافت‌های صندوق همان کسور بازنشستگی است که از حقوق کارمند یا دستمزد کارگر برداشت می‌شود، به‌علاوه سهم کارفرما که اگر دولتی باشد، غالبا به تعویق می‌افتد. از این بدتر اتخاذ سیاست‌های نادرست در نیروی انسانی از سوی دولت است که دودش به چشم صندوق و اعضای صندوق رفته است. برای نمونه با بازنشستگی‌های زودرس و پیش از موعد دریافت صندوق کاهش و پرداخت آن افزایش می‌یابد که در دهه‌های گذشته فراوان شاهد آن بوده‌ایم. علاوه‌بر جلوگیری از بازنشستگی زودرس، افزایش سال‌های خدمت نیز از سیاست‌هایی است که به تعادل دریافت و پرداخت صندوق‌ها کمک می‌کند و بیشتر کشورها آن را تجربه کرده‌اند، چنان‌که در برخی کشورها سال‌های خدمت رسما به ۴۰سال رسیده است. ولی این سیاست هم شرایطی دارد که در کشور ما کمتر مراعات می‌شود. افزایش سالیان خدمت مستلزم بهبود فضای کار، انگیزش کارکنان به ادامه خدمت، کاهش ساعات کار در سنوات بالای خدمت و بهادادن به تجربه کارکنان شایسته و پرسابقه است. از همه اینها گذشته، کمک دولت به صندوق‌های بازنشستگی و تامین‌اجتماعی، دست‌کم در جبران بخشی از کم‌لطفی‌های گذشته، می‌تواند آنها را سر پا نگه دارد. در کشورهایی که درآمد دولت عمدتا از مالیات مردم تامین می‌شود، دولت‌ها به سختی می‌توانند به صندوق‌های بازنشستگی دولتی یا تامین‌اجتماعی کمک کنند و از این‌رو برای حفظ تعادل صندوق‌ها همان سیاست سختگیرانه افزایش سن بازنشستگی و سال‌های خدمت را در پیش می‌گیرند، ولی دولت‌هایی که راسا درآمدهایی از محل فروش منابع طبیعی یا انحصارات خاص تحصیل می‌کنند، برای این کمک‌ها دستشان بازتر است.

LEON
Since 1960
Respecting you is our business.

صبحانه متفاوت
ناهاری ویژه

Sam Center: 8th floor, Sam Center
Fereshteh Ave
Tel: (+98-21) 22 65 38 41
www.leon1960.com

Design: HiGt-/Rakhshani/ Photo: Artem